

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد اخلاق اسلامی

**عنوان:**

# **اخلاق مدیریت در خانواده از منظر اسلام**

**استاد راهنما:**

**دکتر فرح رامین**

**نگارنده:**

**فاطمه خانی سورکی**

**تابستان ۱۳۹۲**

## تقدیم به:

روح پاک پدرم که عالمانه به من آموخت تا چگونه در عرصه زندگی، ایستادگی را تجربه  
نمایم؛  
و به مادرم، دریای بی‌کران فداکاری و عشق، که وجودم برایش همه رنج بود و وجودش  
برایم همه مهر؛  
و به همسر مهربانم که در تمام طول تحصیل همراه و همگام من بوده است.

## تشکر و قدردانی

سپاس بی‌کران پروردگار یکتا را که هستی‌مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به هم‌نشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه‌چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است که از تمامی اساتید بزرگواری، که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن‌سرای علم و دانش را با راهنمایی‌های کارساز و سازنده بارور ساختند؛ تقدیر و تشکر نمایم. به ویژه از استاد فرهیخته و دلسوزم، سرکار خانم دکتر فرح رامین که با راهنمایی‌های خود بسیاری از سختی‌ها را برایم آسان نمودند، کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

## چکیده

خانواده در منظر قرآن کریم نهاد مقدسی است که بر پایه ازدواجی سالم که از آن به «میثاق غلیظ» یاد می‌شود، استوار شده است. بنیاد جامعه اسلامی بر خانواده و نقش آن نهاد شده و از این رو، خانواده، مرکز تربیت، انسان‌سازی و مأمونی برای رسیدن به تکامل انسانی است. اسلام، رشد و پویایی خانواده را در گرو توجه به اصول اخلاقی می‌داند و جریان جاری زندگی را تنها بر این پایه ممکن و مطلوب می‌داند. در این رساله، اخلاق مدیریت در خانواده با استناد به آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفته است؛ در این راستا دیدگاه اسلام نسبت به ویژگی‌های اخلاقی مدیر و اصول اخلاقی که باید در حیطه مدیریت خویش رعایت کند، بیان گشته و به تبیین مسئله مدیریت در خانواده از منظر حقوقی و اخلاقی پرداخته شده است؛ و روشن گردیده که مدیریت حقوقی خانواده، مقامی است که برای ثبات و مصلحت خانواده به مرد - در صورت داشتن شرایط لازم- داده شده است و امتیاز و حق فردی برای وی محسوب نمی‌شود؛ این امر بیشتر یک وظیفه اجتماعی برای تأمین سعادت خانواده است و مرد نباید از آن سوءاستفاده کند یا بر خلاف روش مناسب هر جامعه و یا مصلحت ویژه هر خانواده و به شکل تحکم و اجبار، آن را به کار برد؛ اما مدیریت اخلاقی خانواده، یک مدیریت مشارکتی است که مرد و زن هر دو در آن سهیم هستند تا روابط اخلاقی خانواده را سامان دهند. همچنین در این رساله با بیان ویژگی‌های اخلاقی مدیر در خانواده، به ارتباط اخلاق و حقوق در نظام خانواده پرداخته و مشخص شد که در یک خانواده اسلامی کفه اخلاق بر استیفای حقوق سنگینی می‌کند؛ خانواده را اخلاق اداره می‌کند و حقوق برای شرایط غیر عادی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اخلاق با مدیریت رابطه تنگاتنگی دارد و می‌توان گفت پاسداری از موازین اخلاقی در مدیریت از ضرورت بیشتری برخوردار است؛ زیرا مدیریت و رهبری بدون رعایت اخلاق و ارزش‌های انسانی، ارزش ندارد.

**کلمات کلیدی:** اخلاق، مدیریت، خانواده، حقوق، اسلام.

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱
تبیین موضوع .....	۱
اهمیت موضوع .....	۱
اهداف پژوهش .....	۲
سؤال‌های اصلی .....	۲
فرضیات .....	۲
پیشینه پژوهش .....	۲
بخش اول: مبانی اخلاق مدیریت در خانواده.....	۳
فصل اول: کلیات .....	۴
۱. اخلاق .....	۴
۲. علم اخلاق .....	۵
۳. مدیریت و واژه‌های مترادف آن در منابع اسلامی .....	۶
۳-۱. امامت .....	۶
۳-۲. ولایت .....	۷
۳-۳. ریاست .....	۸
۴. رابطه اخلاق با دین .....	۹
۴-۱. اخلاق اسلامی و ساختار آن .....	۱۲
۵. رابطه مدیریت با دین .....	۱۸
۵-۱. تأثیر دین بر شخصیت مدیر و پژوهشگر مدیریتی .....	۱۸
۵-۲. تأثیر دین بر پژوهش‌های مدیریتی .....	۱۸
۵-۳. مدیریت اسلامی و تفاوت آن با سایر مکاتب .....	۲۰
۶. رابطه اخلاق با حقوق .....	۲۲
۶-۱. تفاوت اخلاق و حقوق .....	۲۳
۷. رابطه اخلاق با مدیریت .....	۲۴
۷-۱. اخلاق مدیریت و تفاوت آن با مدیریت اخلاق .....	۲۵

۲۵	۲-۷. جایگاه اخلاق مدیریت در اخلاق اسلامی
۲۷	۳-۷. جایگاه اخلاق مدیریت در اخلاق غربی
۲۷	۸. اخلاق مدیریت و روانشناسی مدیریت
۲۸	۱-۸. تفاوت اخلاق و روانشناسی
۲۸	۲-۸. تفاوت اخلاق مدیریت و روانشناسی مدیریت
۲۹	۹. خانواده
۳۰	۱-۹. خانواده و اهمیت آن از منظر اسلام
۳۲	۲-۹. اخلاق در خانواده
۳۳	۳-۹. اخلاق مدیریت در خانواده
۳۴	فصل دوم: پیشینه تاریخی
۳۴	۱. پیشینه مدیریت اسلامی
۳۴	۱-۱. فارابی
۳۵	۲-۱. ابن خلدون
۳۵	۳-۱. ابن مقفع
۳۶	۴-۱. خواجه نظام الملک طوسی
۳۷	۵-۱. ابوعلی سینا
۳۸	۲. پیشینه مدیریت در خانواده
۳۹	۳. پیشینه اخلاق در خانواده
۴۰	۳-۱. ابن سینا
۴۱	۳-۲. امام محمد غزالی
۴۲	۳-۳. خواجه نصیرالدین طوسی
۴۳	۳-۴. فیض کاشانی
۴۳	۳-۵. علامه طباطبایی
۴۴	۳-۶. شهید مرتضی مطهری
۴۵	۴. پیشینه اخلاق مدیریت
۴۷	خلاصه و نتیجه گیری بخش اول
۴۹	بخش دوم: اخلاق مدیریت در اسلام

فصل اول: مدیریت در اسلام .....	۵۰
۱. مبانی عقیدتی مدیریت در اسلام .....	۵۱
۱-۱. خلافت الهی .....	۵۱
۲-۱. سرشت اجتماعی انسان .....	۵۲
۳-۱. مسئولیت‌پذیری انسان .....	۵۳
۲. ارکان مدیریت اسلامی .....	۵۳
۱-۲. برنامه‌ریزی .....	۵۴
۲-۲. سازمان‌دهی .....	۵۴
۳-۲. هماهنگی .....	۵۴
۴-۲. نظارت .....	۵۵
۵-۲. ارزش‌یابی .....	۵۶
۳. ابزار مدیریت اسلامی .....	۵۶
۱-۳. سعه‌صدر .....	۵۶
۲-۳. نیروی انسانی .....	۵۷
۳-۳. قانون .....	۵۷
۴. اهداف مدیریت اسلامی .....	۵۸
فصل دوم: اخلاق مدیریت در اسلام .....	۵۹
۱. ویژگی‌های اخلاقی مدیر در اسلام .....	۵۹
۱-۱. ایمان .....	۵۹
۲-۱. شرح صدر .....	۵۹
۱-۲-۱. شرح صدر، ضرورت مدیریت .....	۶۱
۳-۱. بصیرت .....	۶۲
۴-۱. امید .....	۶۲
۵-۱. صبر و استقامت .....	۶۳
۶-۱. ساده‌زیستی و زهد .....	۶۳
۷-۱. صداقت .....	۶۵
۸-۱. اعتماد به نفس .....	۶۵
۹-۱. شجاعت .....	۶۶



۶۸	۱-۱۰. وقار و متانت .....
۷۰	۲.وظایف اخلاقی مدیر در حیطه مدیریت اسلامی .....
۷۰	۲-۱. وجدان کاری .....
۷۱	۲-۲. انضباط اداری .....
۷۲	۲-۳. انتقاد پذیری .....
۷۴	۲-۴. حسن خلق .....
۷۴	۲-۵. رفق و مدارا .....
۷۵	۲-۶. قاطعیت .....
۷۵	۲-۷. تغافل .....
۷۶	۲-۸. رسایی سخن .....
۷۸	۲-۹. معاون شایسته .....
۷۹	۲-۱۰. معاشرت .....
۸۱	۲-۱۱. مشورت .....
۸۲	۲-۱۱-۱. فواید مشورت .....
۸۳	۲-۱۱-۲. ویژگی‌های کسی که باید با او مشورت کرد .....
۸۴	۲-۱۲. مشارکت .....
۸۵	۲-۱۳. وفای به عهد .....
۸۸	۲-۱۴. احترام به سنت‌های نیک .....
۸۹	۲-۱۵. عدالت .....
۹۰	۳.آفت‌های اخلاقی مدیران .....
۹۱	۳-۱. خودپسندی و غرور .....
۹۱	۳-۲. سازمان گرایی .....
۹۲	۳-۳. عدم برنامه‌ریزی مناسب .....
۹۲	۳-۴. اجبار و زورگویی .....
۹۳	۳-۵. افزون خواهی .....
۹۳	۳-۶. نداشتن سعه صدر .....
۹۳	۳-۷. عدم مشورت .....
۹۴	۳-۸. تملق و چاپلوسی .....

۹۴	۳-۹. تبعیض .....
۹۵	۳-۱۰. تنگ نظری .....
۹۶	۳-۱۱. اجبار و تحکم .....
۹۶	۳-۱۲. دورویی .....
۹۷	۳-۱۳. انتقام جویی .....
۹۸	۳-۱۴. بد زبانی .....
۱۰۰	۳-۱۵. خود محوری .....
۱۰۰	۴. بقای مدیریت .....
۱۰۰	خلاصه و نتیجه گیری بخش دوم .....
۱۰۲	بخش سوم: اخلاق مدیریت در خانواده از منظر اسلام .....
۱۰۳	فصل اول: خانواده .....
۱۰۳	۱. جایگاه خانواده در حکمت عملی .....
۱۰۴	۲. ضرورت وجودی خانواده .....
۱۰۵	۳. وظایف و کارکرد خانواده .....
۱۰۵	۴. ساخت خانواده .....
۱۰۶	۵. مقایسه خانواده در اسلام با خانواده در غرب .....
۱۱۳	فصل دوم: مدیر در ساختار حقوقی و اخلاقی خانواده در اسلام .....
۱۱۳	۱. مدیر در ساختار حقوقی خانواده در اسلام .....
۱۱۳	۱-۱. خانواده در حقوق ایران .....
۱۱۵	۱-۲. ضرورت سلسله مراتب در خانواده .....
۱۱۷	۱-۳. ریاست و مدیریت مرد در نظام حقوقی خانواده .....
۱۲۱	۱-۳-۱. تبیین قوامیت و ریاست مرد بر زن و حدود آن .....
۱۳۰	۱-۳-۱-۱. دامنه ریاست شوهر بر زن .....
۱۳۱	۱-۳-۲. تبیین ریاست و ولایت پدر بر فرزندان و حدود آن .....
۱۳۵	۱-۳-۲-۱. دامنه ریاست پدر بر فرزند .....
۱۳۶	۱-۴. شرایط ریاست مرد بر خانواده .....
۱۳۷	۱-۴-۱. اهلیت .....

۱-۴-۱-۱. بلوغ .....	۱۳۸
۱-۴-۱-۲. عقل .....	۱۳۸
۱-۴-۱-۳. رشد .....	۱۳۹
۱-۴-۲. توانایی و صلاحیت اخلاقی .....	۱۳۹
۱-۴-۲-۱. قدرت و توانمندی .....	۱۳۹
۱-۴-۲-۲. صلاحیت و شایستگی اخلاقی .....	۱۴۰
۲. مدیر در ساختار اخلاقی خانواده در اسلام .....	۱۴۱
۲-۱. رابطه حقوق با اخلاق در نظام خانواده .....	۱۴۱
۲-۲. مدیریت مشارکت‌گرایانه در نظام اخلاقی خانواده .....	۱۴۳
فصل سوم: ویژگی‌های اخلاقی مدیر خانواده در اسلام .....	۱۴۶
۱. اعتدال و میانه‌روی .....	۱۴۶
۲. تقوا .....	۱۴۶
۳. توکل .....	۱۴۷
۴. حیا .....	۱۴۷
۵. صداقت و راست‌گویی .....	۱۴۸
۶. صبر .....	۱۴۸
۷. صله رحم .....	۱۴۹
۸. غیرت و مردانگی .....	۱۴۹
۹. کسب مال حلال .....	۱۵۰
۱۰. حسن خلق .....	۱۵۰
۱۱. شکر .....	۱۵۱
فصل چهارم: وظایف اخلاقی مدیر در مدیریت خانواده .....	۱۵۲
۱. وظایف اخلاقی مرد نسبت به زن .....	۱۵۲
۱-۱. خوش رفتاری .....	۱۵۲
۱-۲. احترام .....	۱۵۳
۱-۳. خوش گفتاری .....	۱۵۳
۱-۴. مدارا کردن .....	۱۵۳
۱-۵. امانت داری .....	۱۵۳

۱-۶. ابراز محبت .....	۱۵۴
۱-۶-۱. ایمان محور محبت .....	۱۵۴
۱-۶-۲. توجه و حضور قلب به خدا .....	۱۵۴
۱-۶-۳. احسان و نیکی محبت می آورد .....	۱۵۴
۱-۶-۴. سلام کردن، عامل ایجاد محبت .....	۱۵۵
۱-۶-۵. اظهار محبت، محبت می آورد .....	۱۵۵
۱-۶-۶. صورت گشاده و خندان .....	۱۵۵
۱-۶-۷. دست دادن، محبت می آورد .....	۱۵۵
۱-۶-۸. هدیه دادن، دوستی آفرین است .....	۱۵۵
۷-۱. دوست داشتن .....	۱۵۶
۸-۱. عدم غیرت ورزی بی جا .....	۱۵۶
۹-۱. عیب پوشی .....	۱۵۷
۱۰-۱. همیاری .....	۱۵۷
۲. وظایف اخلاقی زن نسبت به مرد .....	۱۵۷
۱-۲. وفاداری به شوهر .....	۱۵۷
۲-۲. امانت داری .....	۱۵۸
۳-۲. خوش رفتاری .....	۱۵۸
۴-۲. پیروی از شوهر .....	۱۵۸
۵-۲. استقبال و بدرقه‌ی شوهر .....	۱۵۹
۶-۲. آراستگی برای شوهر .....	۱۵۹
۷-۲. محبت به شوهر .....	۱۶۰
۳. وظایف اخلاقی والدین نسبت به فرزندان .....	۱۶۰
۴. وظایف اخلاقی فرزندان نسبت به والدین .....	۱۶۴
خلاصه و نتیجه گیری بخش سوم .....	۱۶۷
نتیجه گیری و پیشنهادات .....	۱۶۹
فهرست منابع و مآخذ .....	۱۷۰

## مقدمه

### تبیین موضوع

یکی از ارکان مهم و اساسی هر جامعه‌ای «خانواده» می‌باشد که محل تجلی بسیاری از خواسته‌های جامعه است؛ به طوری که شکوفایی هر جامعه‌ای در شکوفایی نهاد خانواده نهفته است. می‌توان گفت مدیریت خانواده زیربنای همه‌ی مدیریت‌هاست؛ چرا که نقش به سزایی در مدیریت در سطح کل اجتماع دارد و بسیاری از اصول و مقررات سازمان‌ها و نهادها نشأت گرفته از اصول و مقررات حاکم بر خانواده‌هاست. خانواده به منزله یک واحد منسجم و پویا می‌باشد که در جهت نیل به اهداف واحد گام بر می‌دارد و می‌تواند یک الگوی منسجم اخلاق مدیریت در سطح جامعه ارائه نماید؛ چرا که نقش اخلاق در مدیریت اسلامی بسیار مهم است.

### اهمیت موضوع

ضرورت مدیریت در اجتماع کوچک خانواده بر کسی پوشیده نیست و بر اساس تعالیم اسلام، مدیریت بدون رعایت موازین اخلاقی هیچ ارزشی ندارد. ساختار اصلی این پژوهش بر اساس موضوع آن طراحی شده است؛ به طوری که بخش نخست به مبانی اخلاق مدیریت در خانواده می‌پردازد و مشتمل بر دو فصل کلیات و پیشینه تاریخی می‌باشد. در بخش دوم به اخلاق مدیریت در اسلام و بیان ویژگی‌های اخلاقی مدیر پرداخته‌ایم؛ و در بخش سوم از اخلاق مدیریت در خانواده از منظر اسلام و مدیر در ساختار حقوقی و اخلاقی خانواده سخن به میان آمده است.

## اهداف پژوهش

این رساله بر آن است که بیان کند اخلاق مدیریت به معنای ویژگی‌ها و صفات اخلاقی می‌باشد که مدیر- خواه مدیر جامعه باشد، خواه مدیر گروه کوچک خانواده - باید دارا باشد و در منصب مدیریتی خود آن‌ها را به کار برد؛ به همین منظور به بیان این ویژگی‌ها از منظر آیات و روایات پرداخته‌ایم و بیان گشته که اخلاق مدیریت با مدیریت اخلاق متفاوت است. همچنین بیان می‌کند که اگر چه در اسلام مرد مدیر حقوقی خانواده است، ولی در زمینه‌ی مدیریت اخلاقی خانواده، مدیریت مشارکت‌گرایانه پیشنهاد می‌شود.

## سؤال‌های اصلی

هدف اصلی این نوشته تلاش برای پاسخ‌گویی به چند پرسش اساسی است، از جمله:  
در منابع اسلامی مدیریت به چه معنایی است؟ رابطه اخلاق با مدیریت چیست؟ رابطه اخلاق با حقوق چیست؟ ویژگی‌های اخلاقی یک مدیر از منظر اسلام چیست؟ ویژگی‌های اخلاقی یک مدیر در خانواده از منظر اسلام چیست؟ مدیریت اخلاقی چه تفاوتی با مدیریت حقوقی دارد؟ مدیر حقوقی خانواده از منظر اسلام کیست؟ و دلیل آن چیست؟ مدیر اخلاقی خانواده از منظر اسلام کیست؟ وظایف اخلاقی مدیر خانواده چیست؟

## فرضیات

خانواده در اسلام از ارکان مهم جامعه است و باید مظهر ارزش‌های اسلامی باشد.  
از منظر اسلام مدیر حقوقی خانواده، مرد است.  
صفات که یک مدیر حقوقی دارد متمایز از صفاتی است که یک مدیر اخلاقی دارد.  
مؤلفه‌های اخلاقی مدیریت در نظام اسلامی باید حاکم بر انتخاب مدیر اخلاقی خانواده باشد.

## پیشینه پژوهش

در باب مدیریت و سرپرستی در خانواده، کتب و مقالات متعددی نوشته شده است؛ و در این نوشته‌ها معمولاً به شاخصه‌های خاص یک مدیر حقوقی پرداخته شده که این مؤلفه‌ها در نظام اسلامی تبیین شده است؛ اما در مورد اخلاق مدیریت در خانواده به عنوان یک نهاد کوچک که اصلی‌ترین عضو اجتماع محسوب می‌شود، تا کنون اثری در خور توجه نداشته‌ایم.  
با ذکر این توضیحات وارد مباحث این نوشتار می‌شویم.

## بخش اول: مبانی اخلاق مدیریت در خانواده

با توجه به اینکه رسالت این نوشتار «اخلاق مدیریت در خانواده از منظر اسلام» است، بخش اول را به «مبانی اخلاق مدیریت در خانواده» اختصاص می‌دهیم که در دو فصل کلیات و پیشینه‌ی تاریخی قابل بررسی است.

## فصل اول: کلیات

### ۱. اخلاق

قبل از پرداختن به مفهوم و موضوع اخلاق مدیریت در خانواده، باید شناخت اجمالی در مورد مفهوم اخلاق به دست آورد.

اخلاق جمع خُلق به معنای خوی، سنجیه، طبع، عادت، مروت و دین است که بر طبیعت باطنی و سرشت درونی دلالت دارد.<sup>۱</sup>

راغب در مفردات می‌نویسد: خُلق و خُلق در اصل به یک معنا می‌باشند، با این تفاوت که خُلق مخصوص هیئت و اشکال و تصاویر قابل مشاهده با چشم است ولی خُلق در صفات اخلاقی و قوایی که فقط با بصیرت می‌شود به آن پی برد به کار برده می‌شود.<sup>۲</sup>

خُلق در اصطلاح به معنای حالت و هیئت راسخ نفس است که به موجب آن، افعال به سهولت و آسانی و بدون نیاز به اندیشه و تأمل از نفس صادر می‌شود.<sup>۳</sup>

این حالت راسخ همان ملکه نفسانی است که ممکن است در فرد، طبیعی و به حسب مزاجش باشد یا به واسطه‌ی عادت و تمرین به وجود آید و در اثر تکرار در او پایدار گردد، به گونه‌ای که به سرعت از او زایل نشود.<sup>۴</sup>

بر همین اساس احوال غیر راسخ نفس خُلق نمی‌باشند. مثلاً کسی که در احوال و شرایط عارضی بخشش می‌کند تا زمانی که این وصف در وی ثابت و استوار نشده نمی‌توان او را بخشنده نامید.<sup>۵</sup>

---

<sup>۱</sup> محمد معین، فرهنگ فارسی، چاپ سوم، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۱)، ج ۱، ص ۱۴۳۶ و جمیل صلیبا، المعجم الفلسفی، بی‌جا، (بیروت: الشرکه العالمیه للکتاب، ۱۴۱۴ ه)، ج ۱، ص ۵۳۹.

<sup>۲</sup> حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، (حسین خداپرست)، چاپ دوم، (قم: نوید اسلام، ۱۳۸۹)، ص ۲۵۴.

<sup>۳</sup> جمیل صلیبا، ص ۵۲۹ و محمد بن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، بی‌جا، (دمشق: دار قتیبه، ۱۴۱۲ ه)، ج ۳، ص ۸۳.

<sup>۴</sup> محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، (کریم فیضی)، چاپ دوم، (قم: قائم آل محمد، ۱۳۸۸)، ج ۱، ص ۵۴.

<sup>۵</sup> جمیل صلیبا، ص ۵۴۰.



اگر افعالی که از این هیئت و قیافه‌ی ثابت نفسانی صادر می‌شود شرعاً و عقلاً پسندیده باشند این هیئت را خُلق نیکو و اگر زشت و ناپسند باشند خُلق بد می‌گویند<sup>۱</sup>.

## ۲. علم اخلاق

اخلاق علمی است که از ملکات و صفات خوب و بد و ریشه‌ها و آثار آن سخن می‌گوید؛ و به تعبیر دیگر، سرچشمه‌های اکتساب این صفات نیک و راه مبارزه با صفات بد و آثار هر یک را در فرد و جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد.

ملا مهدی نراقی در کتاب جامع السعادات در تعریف علم اخلاق می‌گوید: «علم اخلاق دانش صفات مهملکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات بخش و رها شدن از صفت هلاک‌کننده می‌باشد<sup>۲</sup>».

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان علم اخلاق را چنین تعریف می‌کند: «علم اخلاق فنی است که در آن از ملکات انسانی متعلق به قوای نباتی و حیوانی و انسانی بحث می‌کند، و از جداسازی و تمییز دادن فضائل از رذائل بحث می‌نماید تا انسان به وسیله تخلق و اتصاف به فضیلت‌ها، سعادت علمی خود را بیابد و در نتیجه از او افعال و اعمالی صادر شود که مورد ستایش و مدح عموم جامعه انسانی قرار می‌گیرد<sup>۳</sup>».

بعضی از غربی‌ها نیز علم اخلاق را چنان تعریف کرده‌اند که از نظر نتیجه با تعریف‌های ما یکسان است، از جمله در کتاب «فلسفه اخلاق» از یکی از فلاسفه غرب به نام «ژکس» می‌خوانیم که می‌گوید: «علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی به آن گونه که باید باشد<sup>۴</sup>».

در حالی که بعضی دیگر که بینش‌های متفاوتی دارند (مانند فولکیه) در تعریف علم اخلاق می‌گویند: «مجموع قوانین رفتار که انسان به واسطه مراعات آن می‌تواند به هدفش برسد، علم اخلاق است<sup>۵</sup>».

از آنجا که حیات حقیقی انسان بر تزکیه نفس و تهذیب اخلاق متوقف است و از طریق راهکارهایی است که در علم اخلاق بیان شده است، باید گفت که همانا علم اخلاق شریف‌ترین

<sup>۱</sup> عبدالله شبر، **الاخلاق**، (محمد رضا جباران)، چاپ سیزدهم، (قم: هجرت، ۱۳۸۷)، ص ۳۱.

<sup>۲</sup> محمد مهدی نراقی، ص ۵۴.

<sup>۳</sup> سید محمد حسین طباطبایی، **المیزان فی تفسیر القرآن**، (سید محمد باقر موسوی همدانی)، چاپ پنجم، (قم: انتشارات اسلامی

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴)، ج ۱، ص ۳۰۷.

<sup>۴</sup> **فلسفه اخلاق**، ص ۹؛ (به نقل از ناصر مکارم شیرازی، **اخلاق در قرآن**، (قم: مدرسه امام علی ابن ابیطالب، ۱۳۷۷)، ج ۱، ص ۲۵).

<sup>۵</sup> **الاخلاق النظرية**، ص ۱۰؛ (به نقل از همان).

و در عین حال سودمندترین دانش‌هاست، چرا که ارج و شرف هر علمی، به شرف موضوع آن و غایتش است.<sup>۱</sup>

### ۳. مدیریت و واژه‌های مترادف آن در منابع اسلامی

مدیریت در لغت به معنای کارگردان، گرداننده، دور دهنده، اداره کننده و کسی که کاری را اداره می‌کند می‌باشد؛ و اداره به معنای کارگردانی، قوام دادن، نظام دادن و تنظیم کردن کارهاست.<sup>۲</sup>

راجع به علم مدیریت تعاریف فراوانی ارائه شده است:

مدیریت عبارت است از استفاده‌ی مؤثر از منابع محدود به منظور رسیدن به هدف‌های مطلوب؛ مدیریت عبارت است از ایجاد مناسبات در یک مجموعه یا سازمان و بهره‌گیری از کلیه نیروها در جهت رسیدن به اهداف خاص، به ویژه رشد و تعالی نیروهای عضو آن سازمان یا جامعه؛ مدیریت عبارت است از هماهنگ کردن منابع انسانی و مادی برای نیل به هدف؛ و بالاخره، هنر هماهنگ ساختن یک مجموعه و هدایت صحیح آن به سمت هدف را مدیریت می‌نامند.<sup>۳</sup>

از آنجا که مباحث اخلاق مدیریت در اسلام تکیه و عنایت ویژه‌ای به آیات قرآن کریم، احادیث و سیره‌ی پیشوایان معصوم دارد، در اینجا به برخی از اصطلاحات معارف اسلامی که متضمن مفهوم مدیریت و رهبری هستند و در عین حال تفاوت معنایی با مفهوم مدیریت دارند، اشاره می‌کنیم.

#### ۳-۱. امامت

یکی از رایج‌ترین و شایع‌ترین معانی واژه‌ی امامت در منابع اسلامی، مفهوم فرمانروایی، پیشوایی، مدیریت و رهبری است. امامت در لغت از ماده «ام» و به معنای ریشه، مادر و پایه‌ی هر چیزی است که نظم چیزهای دیگر به آن است. هم‌چنین به معنای رئیس و مقصد نیز آمده است.<sup>۴</sup>

راغب می‌نویسد: «امام کسی است که از وی پیروی کنند؛ کسی که به گفتار یا رفتارش اقتدا کنند؛ انسان باشد یا کتاب یا جز آن؛ حق باشد یا باطل. جمع این کلمه (ائمه) است».<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> محمد مهدی نراقی، ص ۶۰.

<sup>۲</sup> محمد محمدی ری شهری، اخلاق مدیریت در اسلام، چاپ دوم، (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲)، ص ۱۱ و ۱۲.

<sup>۳</sup> علیرضا علی آبادی، مدیران جامعه اسلامی، چاپ سوم، (بی جا: نشر رامین، ۱۳۷۲)، ص ۲۲ و ۲۳.

<sup>۴</sup> سید علی اکبر قریشی، قاموس قرآن، چاپ چهارم، (تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴)، ج ۱، واژه ام.

<sup>۵</sup> حسین بن محمد راغب اصفهانی، واژه ام.

این معنی در منابع اسلامی، هم در مورد امام معصوم و هم در مورد افراد عادی استعمال شده است.

در مورد امام معصوم نیز، هم به معنی «پیشوایی دینی» است و هم به معنی «رهبری امت» و «زعامت سیاسی». شأنی که به موجب آن، امام بر مردم حکومت می‌کند و به اداره‌ی امور اجتماعی، قضائی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی و نظامی کشور و امت می‌پردازد. امامت به معنی اصطلاحی مدیریت و رهبری کشور و نظام، علاوه بر امام معصوم، در مورد غیر ایشان - اعم از حق و باطل - هم به کار رفته است. تصور نشود که هر کجا واژه‌ی امامت در منابع اسلامی آمده است، لزوماً و منحصرأً امام معصوم مورد نظر است. امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرمایند:

«إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَائِرٌ ضَلَّ وَ ضَلَّ بِهِ»<sup>۱</sup>.

بدترین مردم نزد خدا پیشوای ستمگری است که گمراه باشد و دیگران هم به وسیله‌ی او گمراه شوند.

### ۳-۲. ولایت

واژه‌ی دیگری که در منابع اسلامی به معنی مدیریت و رهبری مصطلح آمده است، واژه‌ی «ولایت» است. ولایت در لغت به معانی گوناگون آمده است که یکی از معانی آن در لغت، سرپرستی، حکومت، مدیریت و رهبری است. «ولی» به معنای دوستدار، یار و مددکار، نگهبان، کسی که عهده‌دار امور شخص دیگر باشد و نیز بنده‌ی مقرب خداست. «اولیاء» جمع آن است. کلمه «والی» به معنای فرمانروا، حاکم، استاندار، صاحب امر و اختیار است. جمع آن «وُلَاةٌ» است.<sup>۲</sup>

در منابع اسلامی واژه‌ی ولایت همچون امامت، در معانی گوناگون استعمال شده است، که اینک در صدد ذکر شواهد آن نیستیم. از جمله برجسته‌ترین مفهوم آن، رهبری، مدیریت و فرمانروایی است. این معنی نیز، هم در مورد رهبری و زمامداری پیشوایان معصوم به کار رفته است و هم در مورد غیر امام معصوم.

از امام باقر (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمود:

اسلام بر پنج پایه استوار شده است: بر نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> نهج‌البلاغه، ص ۵۲۶.

<sup>۲</sup> فرهنگ عمید، واژه‌ی «ولی».

<sup>۳</sup> محمد بن حسین حر عاملی، وسائل الشیعه، چاپ پنجم، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳)، ج ۱، ص ۷، ح ۱.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«إِسْتِكَانَةُ الرَّجُلِ فِي الْعَزْلِ بِقَدْرِ شَرِّهِ فِي الْوَلَايَةِ»<sup>۱</sup>.

خواری شخص به هنگام عزل، به اندازه‌ی زشت کاری او در هنگام فرمانداری و فرماندهی است.

کلمه‌ی ولایت در حدیث اول ناظر به شأن پیشوایی سیاسی و فرمانروایی امام معصوم است و در حدیث امام علی (علیه السلام) در مورد فرمانروایی غیر امام معصوم به کار رفته است.

### ۳-۳. ریاست

یکی دیگر از واژه‌هایی که در منابع اسلامی به مفهوم مدیریت و فرماندهی به کار رفته است، کلمه‌ی «ریاست» است. ریاست در کتب لغت به معنی سروری، آقای و سیادت، تولیت امر و پیشوایی آمده است.

مدیریت، خلق و تولید روش‌های مدون و قابل قبول با توجه به شرایط و محدودیت‌های موجود برای رسیدن به هدف می‌باشد؛ یعنی هدف تعریف می‌شود و این مدیر است که با توجه به تمام محدودیت‌های سازمانش و با توجه به شرایطی که در آن قرار دارد اقدام به هدایت سازمان نموده و روش‌های جدید همراه با خلاقیت‌های پایدار را تولید و خلق می‌نماید. اما ریاست به حفظ، نگهداری و نظم و ترتیب دادن وضعیت موجود می‌پردازد و خلاقیت و آفرینشی در آن دیده نمی‌شود؛ شرایط هرچه هست باشد، رئیس تلاش می‌کند شرایط را همان‌گونه که هست حفظ نماید. معمولاً رؤسا در حال امر و نهی کردن هستند ولی مدیران در تعامل با پرسنل خود و استفاده از نظرات آن‌ها هستند. یک مدیر بازخوردهای اقدامات خود را دریافت و تحلیل می‌نماید، اما رئیس بازخوردها را دریافت و تنبیه می‌نماید. رئیس گاهی برای نگهداری وضع موجود از اهرم زور استفاده می‌کند ولی مدیر اهرمی به نام زور را نمی‌شناسد. رئیس جبهه می‌گیرد ولی مدیر مشاوره می‌کند و بسیاری از خصلت‌های دیگر که احتمالاً همه ما به نحوی در محیط کار خود و اطراف، بسیار مشاهده نموده‌ایم.

بنابراین باید گفت که «ریاست» نیز از جمله دیگر واژه‌هایی است که در منابع اسلامی متضمن مفهوم مدیریت و فرمانروایی است.

اینک به حدیثی از امام علی (علیه السلام) که واژه‌ی ریاست را در معنی فرمانروایی، مدیریت و رهبری به کار گرفته است، توجه می‌کنیم:

<sup>۱</sup> سید علی نقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، (تهران: تألیفات فیض الاسلام، ۱۳۷۹)، ص ۱۰۴۶.